



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.22536.2504

Isnād-Based Dating of Hadīths on the Compilation of the Qur'ān During the Prophet and the Caliphs

Samane Torabi¹

Amir Ahmadnezhad^{2*}

Abstract

collection to the Prophet's lifetime, whereas others locate it in the periods of the early caliphs. The earliest traceable isnād for the report commonly cited as "Jam' al-Qur'ān 'alā 'ahd Rasūl Allāh"—the most explicit narrative affirming a Prophet-era compilation—can be dated, on the basis of ḥadīth-dating methodologies, to at least the late first Islamic century. This report is transmitted through a relatively compact network consisting of one Companion (Anas b. Mālīk) and four Successors (Qatāda, al-Sha'bī, Ibn Sīrīn, and Muḥammad al-Qurazī). In contrast, the earliest verifiable isnāds for the diverse and at times mutually contradictory reports concerning compilation under the caliphs emerge only in the latter half of the second Islamic century. Given the extant evidence, no demonstrable basis exists for positing their circulation prior to this period. The resulting temporal gap of approximately one century between the two corpora of reports underscores the chronological precedence of those describing compilation during the Prophet's lifetime. Furthermore, isnād diagramming reveals that the earliest transmitters in the Prophet-era reports function as the principal shared links (ḥalaqāt mushtaraka) within their transmission networks, a structural feature that enhances their historical reliability. While this conclusion does not allow for a definitive reconstruction of the precise mechanisms of compilation during the Prophet's time, it nevertheless indicates that—when assessed through isnād-based criteria—the reports affirming a Prophet-era compilation possess significantly stronger evidentiary support than those attributing the process to the caliphs.

Keywords

Documentary dating, Common circle, Collection of the Qur'an, History of Qur'an.

Article Type: Research

1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan. Email: torabi.samane303@gmail.com

2. Responsible Author, Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan. Email: ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

Received on: 20/08/2025

Accepted on: 18/11/2025

Copyright © 2026, Torabi & Ahmadnezhad

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
شماره: ۰۲۱-۴۴۴۴۴۴۴۴

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.22536.2504

تاریخ گذاری سندی روایات جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) و خلفا

سماپه ترابی^۱
امیراحمدنژاد^۲

چکیده

در میان گزارش های تاریخی موجود در مورد مسأله جمع قرآن کریم، برخی به جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) و برخی نیز به جمع قرآن در زمان خلفا اشاره دارد. قدمت روایت «جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَیْ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ» به عنوان صریح ترین روایت در خصوص جمع در زمان پیامبر (ص) با به کارگیری روش های تاریخ گذاری حدیث، حداقل منسوب به اواخر قرن اول است که توسط یک صحابی (أنس بن مالک) و چهار تابعی (قتادة - شعبی - ابن سیرین - محمد قرظی) نقل شده است. این در حالی است که قدمت روایات متناقض جمع خلفا به طور قطعی به نیمه دوم قرن دوم باز می گردد و با توجه به شواهد موجود امکان اظهار نظر قاطع در مورد وجود این روایات پیش از این بازه زمانی وجود ندارد. این موضوع نشان دهنده فاصله تاریخی این دو گروه از روایات در حدود یک سده و تقدم تاریخی روایات جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) است. همچنین در نمودار اسناد روایات جمع در زمان پیامبر (ص) کهن ترین راویان در واقع همان حلقه های مشترک اصلی روایات هستند که این نکته اعتبار ویژه ای به این روایات بخشیده است. هر چند نتیجه مذکور کیفیت جمع در آن زمان را نیز به طور کامل و واضح مشخص نمی کند، در مقایسه با اسناد موجود روایات جمع خلفا از قرائن سندی محکم تری برخوردارند.

کلیدواژه ها

تاریخ گذاری سندی، حلقه مشترک، روایات جمع قرآن، تاریخ قرآن.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان. torabi.samane303@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

در مقابل تمام نقل‌های متعدد و مشهور در رابطه با نخستین جمع آیات وحی در مصحف واحد توسط خلفا و نسبت دادن این امتیاز در قالب گزارش‌های مختلف به هر یک از ایشان، روایاتی نیز در منابع روایی موجود هستند که جمع و تدوین قرآن را منتسب به زمان پیامبر (ص) می‌دانند و وجود مصحفی مشخص را در عهد رسول‌الله نقل کرده‌اند. چنان‌چه عده‌ای نیز به این موضوع، عقیده دارند (زرکشی، ۱۴۰۸، ۱: ۲۳۸-۲۴۰؛ خویی، ۱۳۷۵، ۱: ۲۴۰-۲۵۹؛ عسکری، ۱۴۱۷، ۱۱۸؛ رامیار، ۱۳۶۲، ۲۸۱). کاتبان وحی، تمام آیات نازل شده را بر روی نوشت‌افزارهای مختلف نوشته، یک نسخه به پیامبر داده و یک نسخه را نزد خود نگه می‌داشتند. بدین ترتیب، تمام آیات قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) نوشته و جمع‌آوری شد. برخی نیز گفته‌اند تمام قرآن به صورت جدا و در ورقه‌های مختلف در منزل پیامبر (ص) بود، اما با نخ و طناب، به یکدیگر بسته شده بود (زرقانی، ۱۹۸۸، ۱: ۲۵۰).

به عقیده برخی دیگر از قرآن‌پژوهان نیز، هرچند تمام قرآن در زمان پیامبر (ص) نوشته شد، اما پراکنده بوده و به صورت مصحف واحد موجود نبوده است، بلکه بر نوشت‌افزارهای مختلف وجود داشته و جمع آن بین دو جلد به صورت مصحف، پس از رحلت پیامبر (ص) انجام گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ۱۲: ۱۲۸؛ زنجانی، ۱۴۰۴، ۴۴) لیکن مطابق با آنچه در تاریخ نیز نقل شده است و بعضاً دانشمندان علوم قرآنی در کتب خود به آن اشاره کرده‌اند، برخی از اصحاب پیامبر (ص) صاحب مصاحفی بودند که قابل انکار نیست. افرادی مانند عبدالله بن مسعود، ابی‌بن کعب الانصاری و حتی شخص حضرت علی (ع) دارای مصحف بوده که نام آن را «مصحف شخصی» گذاشته‌اند (زنجانی، ۱۴۰۴، ۱۰۱)، اما این‌که خاستگاه زمانی و مکانی این نقل‌های تاریخی به چه صورت است نیازمند بررسی است. بنابراین در این پژوهش جهت یافتن قدمت این روایات نمودار اسناد روایات گویای جمع قرآن رسم شده و نتایج به دست آمده از تاریخ‌گذاری سندی این روایات با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در رابطه با روایات جمع‌آوری قرآن انجام شده است. مهم‌ترین آثار خاورشناسان در این زمینه عبارت‌اند از: تاریخ قرآن نوشته نولدکه و شووالی (۱۸۶۰م)، مطالعات قرآنی اثر ونزبرو (۱۹۹۷م) و جمع قرآن نوشته جان برتن (۱۹۷۷م). در میان آثار نویسندگان اسلامی نیز می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: الکلمات الحسان فی الحروف السبعة و جمع القرآن از محمد بخت المطیعی (۱۴۰۳ق)،

حقایق هامه حول القرآن الکریم اثر عاملی (۱۴۱۰ق)، جمع القرآن دراسة تحليلية لمروياته از اکرم عبد خلیفه دیلمی (۱۴۱۷ق)، تدوین القرآن نوشته علی کورانی (۱۴۱۸ق)، کاوشی در تاریخ جمع قرآن اثر ایازی (۱۳۷۸ش)، متی جمع القرآن نوشته سید محمد شیرازی (۱۴۱۹ق)، کتابة القرآن فی العهد المکی اثر عبدالرحمن عمر اسپینداری (۱۴۲۳ق)، تدوین القرآن المجید نوشته محمد عزه دروزه (۲۰۰۴م)، جمع القرآن نقد الوثائق و عرض الحقائق اثر سیدعلی شهرستانی (۱۴۳۵ق). همچنین مقالات و پایان نامه های متعددی در این خصوص نگاشته شده است، از جمله: زیدبن ثابت و روایات قرآنی نوشته قضوی (۱۳۸۵ش)، تحلیل دیدگاه های خاورشناسان در مورد روایات جمع و تدوین قرآن اثر علی زاده (۱۳۹۱ش)، بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه ی حدیث نزول قرآن بر هفت حرف نوشته سید کاظم طباطبایی و محسن رجبی قدسی (۱۳۹۳ش)، تحلیل انتقادی دیدگاه های محققان تاریخ قرآن در حوزه توحید مصاحف در دوره عثمان اثر زرین قلم (۱۳۹۷ش). از جمله مرتبط ترین آثار، مقاله ای با عنوان «اعتبارسنجی روایات اصلی جمع قرآن در زمان خلفا» تعدادی از روایات مشهور در خصوص جمع قرآن توسط خلفا را با شیوه های سنتی، اعتبارسنجی و عدم اعتبار آن ها را ثابت کرده است (دارابی، ۱۳۹۲ش). هارالد موتسکی نیز در مقاله خود با عنوان «بازنگری دیدگاه های غربی در پرتو پیشرفت های روش شناختی جدید»^۱ بعد از بیان مفصل در خصوص آرای مستشرقان در رابطه با جمع قرآن به تاریخ گذاری سندی دو روایت منسوب به زیدبن ثابت و انس بن مالک در رابطه با جمع ابوبکر و عثمان پرداخته است. لیکن هیچ یک از پژوهش های صورت گرفته به تاریخ گذاری دیگر روایات جمع قرآن در زمان پیامبر (ص) نپرداخته اند.

۲. روش شناسی پژوهش

تاریخ گذاری حدیث به معنای یافتن خاستگاه زمانی و مکانی و همچنین افراد مؤثر در نشر روایت است. خاورشناسان به متون حدیثی، به عنوان منابعی تاریخی می نگرند که می توان با استناد به آن، تاریخ اسلام، قرآن و همچنین تاریخ پیدایش و تکوین روایات و مباحث گوناگون اسلامی را شناسایی کرد. به بیان دیگر هدف اصلی از تاریخ گذاری روایات، در وهله اول یافتن زمان پیدایش روایت و سپس بررسی سیر تطور آن است (موتسکی، ۱۳۹۴ش، ۲۱ و ۲۲). این روش در ابتدا توسط گلدزیهر^۲ و ساخت^۳ ابداع و

1. The Collection of the Quran: "A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Development".

2. Ignaz Goldziher.

3. Joseph Schacht.

سپس توسط ینبل^۱ و موتسکی^۲ بسط داده شد. یکی از شیوه‌های تاریخ‌گذاری روایات تحلیل بر اساس سند است. در این روش ابتدا نمودار اسناد روایت، برای مشاهده دقیق‌تر طریق‌های موجود، رسم شده سپس، حلقه مشترک اصلی^۳ (CL)، حلقه‌های مشترک فرعی^۴ (PCL) و طرق منفرد، مشخص می‌شود. در پایان، واقعی بودن حلقه مشترک اصلی یا ظاهری بودن آن و صحت انتساب طریق حلقه‌های مشترک فرعی به اصلی با بررسی منابع رجالی تحلیل می‌شود.

۳. روایت «جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ»

جدا از اشارات روایات، مبنی بر جمع و تدوین قرآن کریم به دستور پیامبر (ص) روایتی در منابع روایی به‌طور مستقیم با متن تقریبی «جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعَةً: أَبِي بَنْ كُثَيْبٍ وَمُعَاذُ بْنُ زَيْدٍ وَابْنُ ثَابِتٍ وَأَبُو زَيْدٍ» به این موضوع اشاره می‌کند. تعدادی از علمای اهل سنت بر این باورند که تعبیر جمع قرآن در شماری از روایات، مانند این روایت، به معنای حفظ قرآن به کار رفته است (طبری، ۱۴۲۰ق، ۲۴: ۶۵-۶۸؛ عسقلانی، بی‌تا، ۹: ۱۰؛ زرقانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۶۷؛ صالح، ۱۳۷۲ش، ۶۵). البته هیچ شاهد و دلیلی از لغت، اشعار عرب یا روایات برای این ادعا ارائه نشده است. به نظر می‌رسد که اعتقاد عالمان اهل سنت به این که قرآن در زمان پیامبر (ص) به صورت مصحف جمع‌آوری نشده، تأثیر زیادی در پذیرش این نظر داشته است؛ زیرا با وجود این اعتقاد، آنان با نسخه‌های مختلفی از روایت «جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ» مواجه بوده‌اند. مشخص است که عبارت «جمع قرآن» در زمان پیامبر (ص) به معنای واقعی آن، یعنی گردآوری و تألیف آیات و سوره‌های قرآن، به کار رفته است؛ اما استفاده از آن به معنای مجازی «حفظ کردن» مورد تردید است. زیرا استفاده مجازی نیازمند قرینه است و اگر ادعا شود که واژه «جَمَعَ» به معنای «حفظ کردن» به کار رفته، این معنا تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که قرینه‌ای برای تأیید آن وجود داشته باشد (ناصحیان، ۱۳۸۷ش).^۵

1. Gautier Juynboll.

2. Harald Motzki.

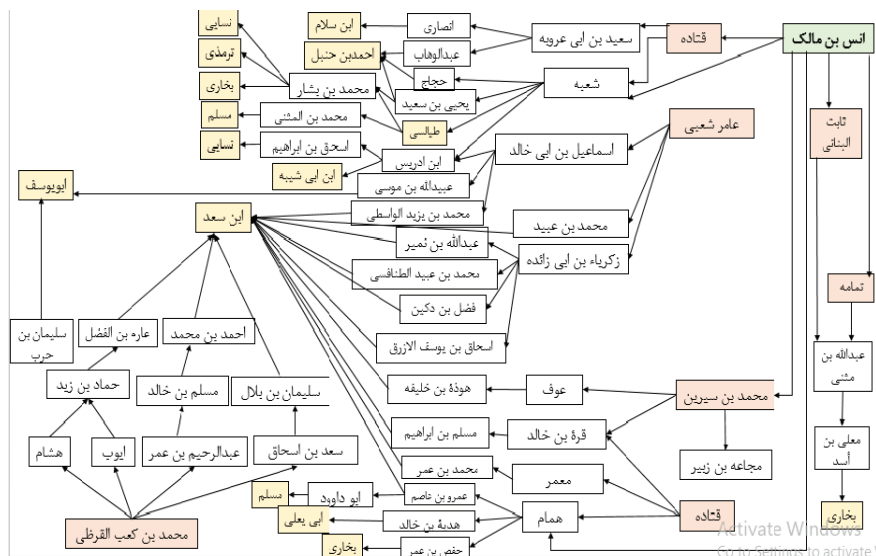
3. Common link.

4. Partial Common link.

۵. نقل‌های دیگری نیز در مورد جمع قرآن توسط سایر صحابه موجود است که به علت تعداد محدود این روایات و مشخص نبودن کامل سلسله اسناد این اقوال، امکان استفاده از روش‌های تاریخ‌گذاری حدیث ممکن نیست. برای مثال یکی از این روایات گزارش محمدبن سعد ذیل نام و برین یحس

۱-۳. تاریخ گذاری سندی روایت

با توجه به اسناد این روایت، ۱ صاحب و ۴ تابعی این روایت را در ابتدا نقل کرده اند و حلقه مشترک این روایت در همان آغاز و نخستین طبقه نمودار، شکل گرفته است. به عبارتی دیگر انس بن مالک، به عنوان تنها صحابی، این روایت را در زمان حیات خویش برای ۴ نفر نقل کرده است و هر کدام از تابعین این روایت را برای چندین شاگرد خود نقل کرده اند. با رسم نمودار اسناد مشخص می شود قتاده با انشعاب ۴ طریق، عامر شعبی با انشعاب ۳ طریق، محمد بن سیرین با انشعاب ۳ طریق و محمد بن کعب القرظی با انشعاب ۴ طریق در نشر این روایت مؤثر بوده اند. بنابراین با توجه به نقل انس بن مالک برای چندین نفر، (CL) بودن انس ثابت شده و نقل وی، یک نقل تاریخی است. همچنین قتاده، شعبی، ابن سیرین و محمد بن کعب القرظی علاوه بر PCL بودن حلقه های مشترک اصلی در طبقه تابعین نیز محسوب می شوند و قدمت این روایت حداقل به نیمه دوم قرن اول باز می گردد.



در باره ی عطاء بن مرکبوز با عبارت «وَكَانَ عَطَاءُ بْنُ مَرْكَبُودَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ بِصَعَاءَ» است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۶: ۶۳). دیگر گزارش در انساب صحاری با متن «سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ بْنِ قَيْسِ بْنِ عَمْرِو بْنِ زَيْدِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ زَيْدِ بْنِ مَالِكِ بْنِ عَوْفٍ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فِي أَيَّامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» موجود است (صحاری، ۱۴۲۷ق، ۲: ۵۴۹). همچنین در مورد سالم مولى حذیفه نیز در منابع اندک این گونه نقل شده است: «وَسَالِمٌ مَوْلَى حَذِيفَةَ، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فِي مُصَحَّفٍ» (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ۴: ۲۴۰).

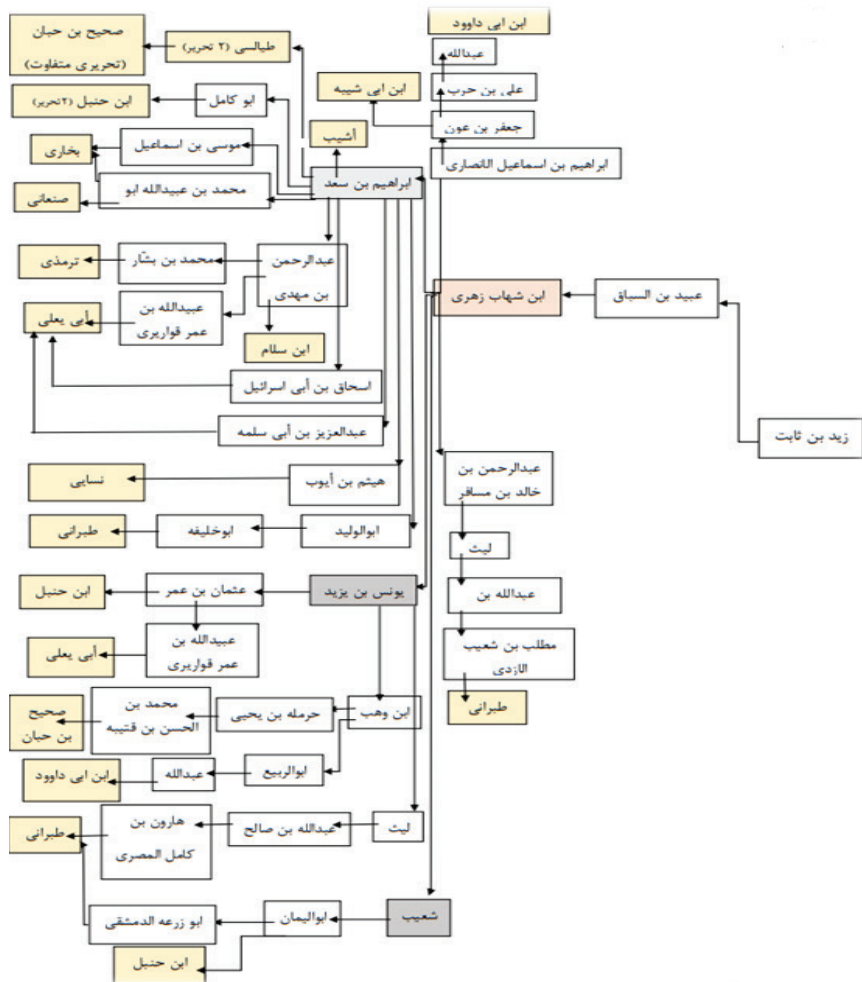
۴. روایت «مَقْتُلُ أَهْلِ الْيَمَامَةِ»

روایت «مَقْتُلُ أَهْلِ الْيَمَامَةِ» با متن مشهور: «فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ إِنَّ عُمَرَ أَتَانِي فَقَالَ إِنَّ الْقَتْلَ قَدْ اسْتَحَرَّ يَوْمَ الْيَمَامَةِ بِقِرَاءِ الْقُرْآنِ، وَإِنِّي أَخْشَى أَنْ يَسْتَحَرَّ الْقَتْلُ بِقِرَاءِ الْقُرْآنِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا، فَيَذْهَبَ قُرْآنٌ كَثِيرٌ، وَإِنِّي أَرَى أَنْ تَأْمُرَ بِجَمْعِ الْقُرْآنِ. قُلْتُ كَيْفَ أَفْعَلُ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ عُمَرُ هُوَ وَاللَّهِ خَيْرٌ. فَلَمْ يَزَلْ عُمَرُ يَرِاجِعْنِي فِي ذَلِكَ حَتَّى شَرَحَ اللَّهُ صَدْرِي لِلَّذِي شَرَحَ لَهُ صَدْرُ عُمَرَ، وَرَأَيْتُ فِي ذَلِكَ الَّذِي رَأَى عُمَرُ. قَالَ زَيْدٌ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَإِنَّكَ رَجُلٌ شَابَّ عَاقِلٌ لَا نَتَّهِمُكَ، قَدْ كُنْتَ تَكْتُبُ الْوَحْيَ لِرَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَتَتَّبِعُ الْقُرْآنَ فَاجْمَعُهُ. قَالَ زَيْدٌ فَوَاللَّهِ لَوْ كَلَفْنِي نَقْلَ جَبَلٍ مِنَ الْجِبَالِ مَا كَانَ بِأَثْقَلٍ عَلَيَّ مِمَّا كَلَفْنِي مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ. قُلْتُ كَيْفَ تَفْعَلَانِ شَيْئًا لَمْ يَفْعَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ هُوَ وَاللَّهِ خَيْرٌ. فَلَمْ يَزَلْ يَحِثُّ مُرَاجِعَتِي حَتَّى شَرَحَ اللَّهُ صَدْرِي لِلَّذِي شَرَحَ اللَّهُ لَهُ صَدْرُ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، وَرَأَيْتُ فِي ذَلِكَ الَّذِي رَأَى، فَتَتَّبِعْتُ الْقُرْآنَ أَجْمَعُهُ مِنَ الْعُسْبِ وَالرَّقْعِ وَاللِّخَافِ وَصُدُورِ الرِّجَالِ، فَوَجَدْتُ آخِرَ سُورَةِ التَّوْبَةِ (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ) إِلَى آخِرِهَا مَعَ خَزِيمَةَ أَوْ أَبِي خَزِيمَةَ فَالْحَقَّقْتُهَا فِي سُورَتِهَا، وَكَانَتْ الصُّحُفُ عِنْدَ أَبِي بَكْرٍ حَيَاتِهِ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ عِنْدَ عُمَرَ حَيَاتِهِ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ عِنْدَ حَفْصَةَ بِنْتِ عُمَرَ» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۷۴: ۹)، نیز با ۲۳ تحریر و ۱۳ طریق، تنها از ۱ صحابی (زیدبن ثابت) در منابع ۳ قرن نخست اهل سنت (تا مصاحف ابن ابی داوود؛ متوفی ۳۱۶ق) نقل شده است. این روایت مربوط به گزارش عمر به ابوبکر مبنی بر کشته شدن تعداد زیادی از حفاظ و قراء در جنگ یمامه است. نبرد یمامه یکی از جنگ‌هایی است که میان مرتدین، مدعیان نبوت و مخالفان از مرکز خلافت با مسلمانان رخ داد. این جنگ‌ها به جنگ‌های رده شهرت دارد. یمامه نام منطقه‌ای در نجد عربستان است که در ابتدا نام آن «جَو» بود، لیکن چون زنی از قبیله «جدیس» به نام «یمامه دختر مر» بر دروازه آن به دار آویخته شد، این منطقه به نام او شهرت یافت (بلاذری، ۱۹۵۶م، ۱: ۱۰۵). بحث اصلی در این روایت ابراز نگرانی عمر در رابطه با سرنوشت قرآن و خواهش وی از ابوبکر جهت انجام اقدامی در این خصوص است.

۴-۱. تاریخ‌گذاری سندی روایت

در اسناد موجود در روایت شاهد طریق منفردی از نخستین راوی (زیدبن ثابت) تا حلقه مشترک (ابن شهاب زهری) هستیم. شاخت و نینبل، حلقه مشترک را جاعل روایت و طریق منفرد قبل از خود دانسته‌اند. اما شولر و موتسکی حلقه مشترک را جاعل حدیث نمی‌دانند، بلکه اولین نشردهنده مؤثر حدیث دانسته و به عقیده ایشان، در صورت صحت طریق، نشان‌دهنده وجود روایت در زمان وی (حلقه مشترک) است، اما نمی‌توان ادعا کرد که قبل از وی، آن روایت نبوده و نیاز به بررسی دقیق‌تر است (موتسکی، ۱۳۹۴ش، ۳۳۴-۳۳۹).

در بررسی طریق منفرد قبل از حلقه‌ی مشترک (ابن شهاب عن عیبدن السباق عن زیدبن ثابت) لازم به ذکر است روایات ابن شهاب را بالغ بر ۲۲۰۰ روایت دانسته‌اند (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۹: ۳۹۶). یخاری ۶۰۷ مورد (که حدود ۱۸۰ موردش از طریق عروه از عایشه است) و در کتب سته جمعاً حدود ۳۵۰۰ بار در اسناد واقع شده است. وضعیت نقل او در صحاح به ترتیب زیر است: عن عروه عن عایشه: ۳۵۵ روایت، عن سعیدبن مسیب عن ابی هریره: ۲۷۶ روایت، عن سالم بن عبد الله بن عمر: ۲۲۳ روایت، و عن ابی سلمه عن ابی هریره: ۲۲۳ روایت (شراب، ۱۹۹۳م، ۳۳۱-۳۳۹). علاوه بر منفرد بودن طریق پیش از حلقه‌ی مشترک، با جستجو در بین روایات منقول از ابن شهاب، طریق وی از عیبدن السباق طریق نادر محسوب می‌شود (ترابی، احمدنژاد، ۱۴۰۲ش، ۱۲۶).



۴-۱-۱. حلقه مشترک اصلی؛ ابن شهاب زهري

در نگاه اول، نشردهنده اصلی این روایت، به دلیل انشعاب ۵ طریق از وی، ابن شهاب زهري است. محمد بن مسلم بن عبدالله بن عبدالله بن شهاب زهري (۵۰-۱۲۴ق) یکی از بزرگترین تابعین، فقها، حفاظ اهل مدینه است و از او به عنوان اولین مدون حدیث نبوی یاد شده است (ابن عساکر، ۱۴۰۲ق، ۳). بیشتر علمای اهل سنت ابن شهاب را توثیق کرده‌اند. عمر بن عبدالعزیز گفته است: آگاه‌تر از زهري به سنت پیشینیان باقی نمانده و در برخی موارد، وی بر اصحاب هم مقدم دانسته شده است. عمرو نیز گفته است: با جابر، ابن عمر، ابن عباس و ابن زبیر هم‌نشین شدم. هیچ‌کدام را در زمینه حدیث دقیق‌تر از زهري نیافتم (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۵: ۳۳۵؛ عجاج، ۱۴۰۹ق، ۴۹۳).

در مقابل، نقل‌های مغایری نیز وجود دارد، از جمله این‌که؛ ابن شهاب روابط خوبی با خلفای اموی از عبدالملک بن مروان تا هشام بن عبدالملک داشته و به تشویق امویان، جلسات نگارش حدیث را با حضور امرا بنیان‌گذاری کرد. یکی از انگیزه‌های نوشتن احادیث، مقابله با تبلیغات ضد امویان توسط عراقیان بود. به همین علت، ابن شهاب به جهت همراهی با مروانیان، مورد انتقاد قرار گرفته و متروک الحدیث خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۵: ۳۳۹) خارجه‌بن مصعب نیز به همین علت، ضمن نفرین او حدیثش را مقبول ندانسته و نپذیرفته است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۲: ۴۰۴).

آنچه با رسم‌نمودار اسناد این روایت و بررسی طرق منسوب به زهري، مشخص است؛ از میان ۵ طریق، ۳ طریق آن (طریق ابراهیم بن اسماعیل الانصاری، طریق عبدالرحمن بن خالد بن مسافر، طریق شعيب) طرق منفرد هستند و هرکدام، تنها برای یک شاگرد، روایت را نقل کرده‌اند. در هر شبکه اسنادی طرق منفردی نیز از حلقه مشترک منشعب می‌شوند که بنا بر قاعده پیش‌گفته، فاقد اعتبار تاریخی است و نمی‌تواند مؤید انتساب متن حدیث به حلقه مشترک باشد. بلکه مؤلفان جوامع حدیثی یا مشایخ احتمالی آن‌ها این طریق را بر ساخته‌اند که ناشی از فرآیند تکثیر سندهاست (ینبل، ۱۳۹۴ش) و به نظر می‌رسد از نام و اعتبار زهري، برای رواج روایتشان بهره برده‌اند. چنانچه در منابع رجالی نیز از ابن شهاب با تعبیر «الفقیه الحافظ متفق علی جلالته وإتقانه» یاد شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۵: ۳۳۴). شواهد دیگری نیز این موضوع را تایید می‌کند. برای مثال در بررسی طریق ابراهیم بن اسماعیل الانصاری، بخاری او را کثیر الوهم دانسته است. سخاوی نیز از اصم (کر و لال) بودن او خبر داده است (نوری، ۱۴۱۷ق، ۸: ۴۴). در مورد ابن خالد بن مسافر ولادت، زیست و وفات او را مصر گزارش کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۰ق، ۱۷: ۷۶) که

با مکتب حدیثی زهری (مدینه)، تفاوت دارد و نامحتمل بودن نقل ایشان از ابن شهاب تقویت شده است. در خصوص طریق حکم بن نافع (ابوالیمان) از شعیب از ابن شهاب زهری نیز لازم به ذکر است، حکم بن نافع البهرانی، ابوالیمان الحمصی؛ راوی طبقه دهم و در سال ۲۲۲ هجری فوت کرده است. او را ثقه، ثبت خوانده اند و البته اکثر روایاتش از شعیب را منواله می دانند (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۲: ۴۴۹). نکته ی قابل توجه این است که در کتاب «موسوعة الأقوال» الإمام أحمد بن حنبل فی رجال الحدیث و علله «ابن حنبل، روایات حکم بن نافع با طریق شعیب از زهری را بی اعتبار شمرده است و تصریح کرده است که این روایات از زهری نیست (نوری، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۸۸).

همچنین با بررسی و جستجو در طرق روایات منسوب به ابراهیم بن اسماعیل الانصاری، عبدالرحمن بن خالد بن مسافر و شعیب، طرق عبدالرحمن بن خالد و شعیب از زهری طرق نادری محسوب می شوند.

تنها دو طریق ابراهیم بن سعد (م ۱۸۳) و یونس بن یزید (م ۱۵۹) از ابن شهاب زهری حلقه های مشترک فرعی محسوب شده و روایت مذکور را برای چندین شاگرد نقل کرده اند. بنابراین تحریر مشهور این روایت حداقل، در ربع دوم قرن دوم وجود داشته است. به دلیل تعداد کم حلقه های مشترک فرعی (تنها دو حلقه)، صحت انتساب روایت به ابن شهاب محل تردید است. به همین دلیل در ادامه شرح حال و سابقه این دو شخصیت با دقت بیشتری بررسی شده است.

۴-۱-۲. طریق ابراهیم بن سعد از ابن شهاب زهری

ابراهیم بن سعد بن عبدالرحمن بن عوف القرشی الزهری، الامام الحافظ الکبیر المدنی، از عالمان و محدثان شناخته شده مدینه و بغداد، از مدینه به بغداد مهاجرت کرد و مورد احترام هارون عباسی قرار گرفت. او علاوه بر گماشته شدن به منصب قضاوت، متولی بیت المال شهر نیز شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۷۵) اهل سنت او را ثقه دانسته اند به گونه ای که در پاره ای از گزارش ها او را از علمای ثقه و مورد اطمینان دانسته و در نقل حدیث به او اعتماد کامل داشته اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۲: ۳۸۰). وی از پدرش قاضی المدینه و از نزدیکانش همچون؛ ابن شهاب الزهری، یزید بن الهاد، الولید بن کثیر، صفوان بن سلیم و صالح بن کیسان روایات بسیاری نقل کرده است (ابن حجر، ۱۳۲۶ق، ۱: ۱۲۳؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۸: ۳۰۴). با توجه به دوره زمانی هریک از این مؤلفین و تاریخ وفات آنها، ابن شهاب (۵۰-۱۲۴ق) و ابن سعد (۱۰۵-۱۸۳ق)، ابن سعد هنگام وفات زهری،

۱۵ سال دارد و نامحتمل بودن این طریق، تقویت می‌شود چنانچه صالح بن محمد الحافظ نیز به همین علت احادیثی را که از ابن شهاب نقل کرده بی اعتبار شمرده و نقل از خود ابراهیم بن سعد دانسته است (ذهبی، ۱۴۰۶ق، ۴: ۳۱).

۳-۱-۴. طریق یونس بن یزید از ابن شهاب زهري

یونس بن یزید بن مشکان مشهور به ابویزید، برده آزاد کرده معاویه بن ابی سفیان اموی است. او محدثی ثقه و از تعداد زیادی از صحابه، فرزندان صحابه، علم آموخته است (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۶: ۲۷۶) ابویزید از جمله اتباع تابعین بوده و در سال ۱۵۹ هجری قمری در مصر وفات یافته است (ابن حبان، ۱۴۲۸ق، ۱۳۳۹). محمد بن سعد نیز درباره وی در طبقات می نویسد؛ یونس بن یزید ایلوی مردی خوش سخن و دارای احادیث بسیار بوده و گفته اش حجت نیست و گاه حدیث های ناشناخته آورده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۷: ۵۲۹). در رابطه با این روایت، تحریر و طریق وی اولین بار در مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱) ظهور پیدا کرده و در ۵ منبع روایی پیش از مسند که شامل این روایت بودند طریق وی ذکر نشده است. همچنین تنها ۳ طریق، این روایت را از یونس نقل کرده اند و به جز طریق موجود در مسند احمد بن حنبل دیگر تحریرهای منقول از یونس، در جوامع بعد از صحاح ظهور پیدا کرده اند. این درحالی است که از ابراهیم بن سعد ۱۰ طریق این روایت را در منابع روایی قبل از صحاح سته، صحاح سته و منابع پس از آن، نقل می کنند.

در هر صورت با توجه به شواهد و قرائن مذکور و با توجه به نقش مؤثر ابراهیم بن سعد و یونس بن یزید در نشر گسترده این روایات تاریخی بودن این روایت در نیمه دوم قرن دوم قطعی است لیکن در رابطه با وجود این روایت پیش از این بازه زمانی و ابهامات و تضعیف های موجود امکان اظهار نظر قاطع وجود ندارد.

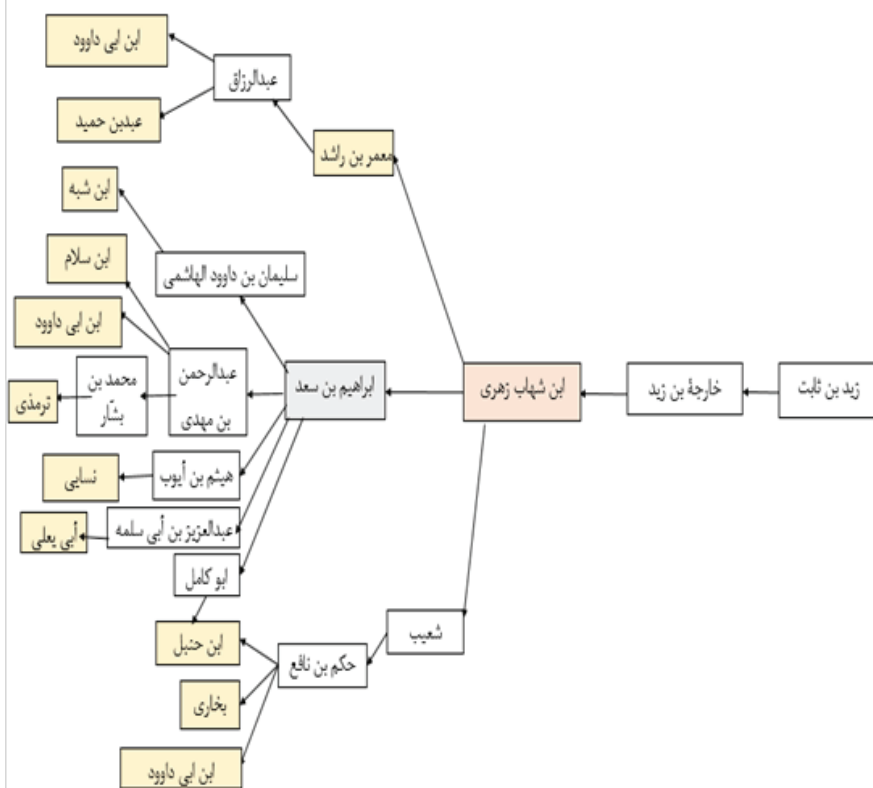
۵. روایت «فَقَدْتُ آيَةَ مِنْ سُورَةِ الْأَحْزَابِ»

یکی دیگر از روایت هایی که به موضوع کتابت و چینش آیات وحی در مصحفی واحد بعد از پیامبر (ص)، در زمان ابوبکر و توسط زید بن ثابت اشاره می کند، روایت «فَقَدْتُ آيَةَ مِنْ سُورَةِ الْأَحْزَابِ» است. این روایت با متن «زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ يَقُولُ: فَقَدْتُ آيَةَ مِنْ سُورَةِ الْأَحْزَابِ حِينَ نُسِخَتِ الْمَصَاحِفُ، وَقَدْ كُنْتُ أَسْمَعُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُهَا، فَأَلْتَمَسْتُهَا فَوَجَدْتُهَا عِنْدَ خُرَيْمَةَ بِنْتِ ثَابِتٍ الْأَنْصَارِيَّةِ: {مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ} [سورة الأحزاب، آیه: ۲۳]، فَأَلْحَقْتُهَا فِي سُورَتِهَا فِي

المَصْحَف»، با تحریرهای متفاوت (۵ تحریر و ۱۰ طریق) از ۱ صحابه (زیدبن ثابت به نقل از خارجه بن زید)، در منابع روایی ظاهر شده است.

۵-۱. تاریخ‌گذاری سندی روایت

در اسناد موجود از این روایت نیز شاهد طریقی منفرد از زیدبن ثابت تا ابن شهاب (ابن شهاب الزهري عن خارجه بن زيد عن زیدبن ثابت)، هستیم. در نمودار حاضر نیز، ابن شهاب زهري، حلقه مشترک اصلی (CL) این روایت و ابراهیم بن سعد، معمر بن راشد و شعيب نیز حلقه های مشترک فرعی (PCL) این روایت هستند. همچنین این نمودار بیانگر دو مرتبه نقش ابراهیم بن سعد در نشر این روایت با نقل برای ۵ تن است که در خصوص عدم صحت انتساب روایات ابراهیم بن سعد از ابن شهاب و همچنین بی اعتباری طریق حکم بن نافع یا ابوالیمان از شعيب از ابن شهاب زهري، در روایت قبل، قرآنی مطرح شد. در ادامه طریق معمر بن راشد از ابن شهاب زهري نیز مورد بررسی قرار گرفته است.



۵-۱-۱. طریق معمر بن راشد از ابن شهاب زهري

معمر بن راشد الأزدی الحدانی، راوی طبقه‌ی هفتم از کبار تابع تابعین است و از او با عنوان «أُطْلِبَ أَهْلَ زَمَانِهِ لِلْعِلْمِ» یاد شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۵). ابن حجر او را ثقه، ثبت، فاضل می‌خواند و احادیث او را به جز روایات منقول از ثابت، اعمش، عروه بن هشام، معتبر می‌داند (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۱۰: ۲۲۰). در وصف دیگری نیز او و احادیثش از زهري را ثقه دانسته‌اند (مزی، ۱۴۰۰ق، ۲۸: ۳۰۳-۳۱). در مقابل، وصف‌های متناقضی نیز از وی وجود دارد. نام معمر بن راشد در اسماء المدلسین ذکر شده است (سیوطی، بی‌تا، ۹۴). طریق او از یزید بن عبدالله، حسن، یحیی بن سعید أنصاری را به دلیل عدم ملاقات و استماع از ایشان طریقی ساختگی دانسته و همچنین روایاتی با طریق «معمر عن الزهري عن عمر بن سعد عن ابيه» را روایاتی ساختگی جهت کوچک شمردن قریشیان دانسته‌اند (علایی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۸۳).

این روایت، با طریق معمر بن راشد در میان منابع روایی تا سال ۳۱۶ هجری، تنها در مسند عبد بن حمید و مصاحف ابن ابی داوود نقل شده است و این طریق از روایت، در هیچ‌یک از صحاح سته ذکر نشده است. بررسی سند موجود در مصاحف ابن ابی داوود (م ۳۱۶)، نشان دهنده واسطه‌های بسیار در سند و وجود افراد ناشناس در میان این واسطه‌هاست. این در حالی است که در همین بازه زمانی ابی یعلی (م ۳۰۷)، این روایت را با طریقی دیگر تنها با یک واسطه بیشتر از روایان طبقه پیش از خود نقل می‌کند. در مسند عبد بن حمید (م ۲۴۹) نیز این روایت، با سند «أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقُ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ» نقل شده و عبد بن حمید این روایت را مستقیم از معمر استماع نکرده است. با توجه به آنچه گفته شد، طریق معمر از زهري طریقی منفرد است و معمر این روایت را به صورت مستقیم برای هیچ‌یک از روایان دیگر نقل نکرده است و این طریق از روایت، در جوامع روایی طریقی نادر است.

از میان سه طریقی که روایت را از ابن شهاب نقل کرده‌اند منفرد بودن و بی اعتبار بودن آن‌ها مشخص شده و با توجه به نشر دهنده اصلی این روایت، ابراهیم بن سعد تاریخی بودن این روایت در بغداد و در بازه زمانی نیمه دوم قرن دوم قطعاً است.

۶. روایت «أَنَّهُمْ جَمَعُوا الْقُرْآنَ فِي مَصَاحِفَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ»

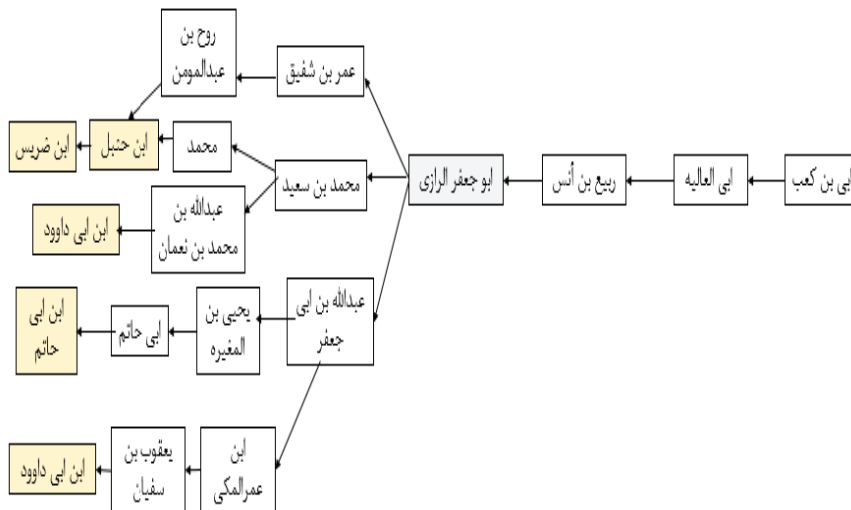
روایت دیگری که به موضوع جمع قرآن در زمان ابوبکر اشاره می‌کند، روایتی از ابی بن کعب به نقل از ابن ابی العالیه است با متن: «أَنَّهُمْ جَمَعُوا الْقُرْآنَ فِي مَصَاحِفَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَكَانَ رِجَالٌ يَكْتُبُونَ وَيُمْلِئُونَ عَلَيْهِمْ أَبُو بَكْرٍ كُتِبَ. فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ

مِنْ سُورَةِ بَرَاءَةِ: {ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللّٰهِ قُلُوبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُوْنَ}، فَظَنُّوْا اَنَّ هٰذَا اٰخِرُ مَا اُنْزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ. فَقَالَ لَهُمْ اُبٰی بِنُ كَعْبٍ: اِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَقْرَأَنِيْ بَعْدَهَا اٰيَتَيْنِ: {لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلٰيكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ. فَاِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ}. ثُمَّ قَالَ: هٰذَا اٰخِرُ مَا اُنْزِلَ مِنَ الْقُرْآنِ. قَالَ: فَخَتَمَ بِمَا فُتِحَ بِهِ، بِاللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ، وَهُوَ قَوْلُ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى: {وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيْ اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُوْنِ}» (ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ۳۵: ۱۴۹).

این روایت در ۴ منبع روایی یا ۱ تحریر و ۱ طریق ظهور کرده است.

۱-۶. تاریخ‌گذاری سندی روایت

با بررسی اسناد موجود در روایت، انفراد طریق ابی‌بن‌کعب تا ابوجعفر الرازی به‌خوبی مشخص است. ابوجعفر الرازی اولین شخصی است که مسئول نشر و گسترش این روایت است و ساختگی بودن طریق «ربیع بن‌انس عن ابی‌العالیه عن ابی‌بن‌کعب» در سند روایت ثابت شده است. در ادامه نمودار اسناد این روایت رسم و شرح حال ابوجعفر الرازی بررسی می‌شود.

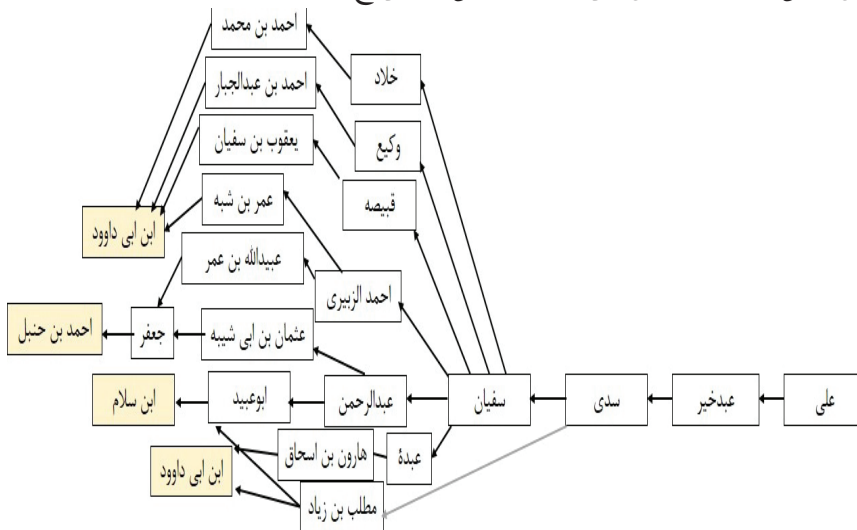


۶-۱-۱. ابو جعفر الرازی

ابوجعفر الرازی، عیسی بن ماهان؛ عالم ری، حدود سال ۹۰ هجری در زمان حیات عدای از صحابه در بصره متولد شد. سپس برای تجارت به ری عازم شد و در همان جا سکنی گزید (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ۷: ۳۴۶). وی در همان ری و در سال ۱۶۰ درگذشت (مزی، ۱۴۰۰ق، ۳۳: ۱۹۳). از او با عناوینی چون، «کثیر الوهم» به نقل از ابوزرع، «الیس بالقوی» به نقل از نسائی و «ثقه» به نقل از ابوحاتم یاد شده است (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۳: ۳۲۰). همچنین او را صدوق فی نفسه دانسته اند، لیکن احادیث منسوب به او را ضعیف دانسته و وصف «کان یخلط» را نیز برای او به کار برده اند (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۶: ۴۸۸؛ ابن عجمی، ۱۹۸۷م، ۳۸۸). با توجه به نقل سه راوی از ابوجعفر که هریک نیز (به جز عمر بن شفیق) برای دوراوی نقل کرده اند، CL بودن ابوجعفر ثابت شده و عبداللہ بن ابی جعفر و محملم بن سعید نیز، هریک PCL های وی هستند. با توجه به تاریخ وفات ابوجعفر (سال ۱۶۰)، این روایت در حدود ربع دوم قرن دوم، تاریخ گذاری می شود.

٧. روایت «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا بَكْرٍ، كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ»

در این روایت، ابوبکر به عنوان اولین جمع‌کننده قرآن در بین دولوح معرفی شده است. کهن‌ترین منبع روایی ناقل، فضائل القرآن ابن‌سلام (م۲۲۴) است. این روایت با متن مشهور «رَحِمَ اللَّهُ أَبَا بَكْرٍ، كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ» (باب تالیف القرآن و جمعه، ۱: ۲۸۴) با ۷ طریق و با محتوایی تقریباً یکسان در سه منبع روایی (فضائل القرآن ابن‌سلام، فضائل الصحابة از احمد بن حنبل و مصاحف ابن ابی داوود)، به نقل از علی (ع) و عبدخیر ذکر شده است.



۷-۱. تاریخ گذاری سندی روایت

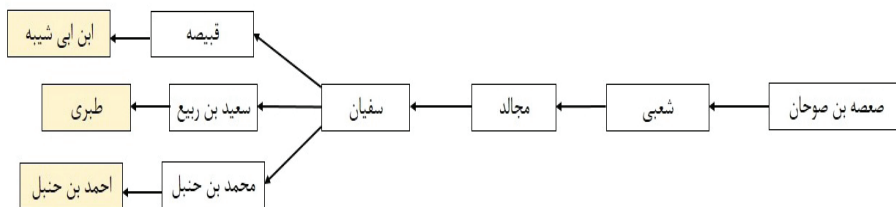
آنچه پس از رسم نمودار اسناد این روایت مشخص می شود؛ CL بودن سفیان است. طریق پیش از وی طریقی منفرد و فاقد اعتبار است زیرا بسیار بعید است یک روایت تا چهار طبقه تنها از یک راوی برای یک راوی نقل شود، بنابراین انتساب این روایت به عبدخیر و علی (ع) محل اشکال است. از جهت دیگر نقل مطلب بن زیاد از سدی مورد قبول نیست، زیرا علاوه بر شیرجه ای بودن این طریق، وی را «ضعیف الحدیث» خوانده اند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ۶: ۳۶۰). سفیان بن عیینه بن ابی عمران، در سال ۱۰۷ هجری قمری در کوفه متولد و در سال ۱۹۸ در مکه وفات یافت. آنچه از سفیان، به عنوان حلقه مشترک این روایت، باید مورد توجه قرار گیرد، وصف او به تدلیس و تخلیط است، علی الخصوص در زمان حیات وی در کوفه (سیوطی، بی تا، ۵۳؛ ابوسعید، ۱۴۱۷ق، ۴۵). بنابراین این روایت نیز در حدود همان نیمه دوم قرن دوم تاریخ گذاری می شود.

۸. روایت «أَبَا بَكْرٍ كَانَ أَوَّلَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ وَوَرِثَ الْكَلَالَةَ»

روایت منسوب به صعصعه بن صوحان نیز، شبیه به روایت قبل است با این تفاوت که در محتوای این روایت در وصف ابوبکر عبارت «ورث الکلاله» نیز اضافه شده است. این روایت با ۳ تحریر و ۳ طریق در ۳ منبع روایی ذکر شده است.

۸-۱. تاریخ گذاری سندی روایت

روشن است حلقه مشترک اسناد این روایت همان سفیان بن عیینه (م ۱۹۸) و نشردهنده این روایت با توجه به طریق منفرد، صعصعه بن صوحان نیست. با توجه به تاریخ وفات سفیان، روایت در همان حدود نیمه دوم قرن دوم تاریخ گذاری می شود.



۹. روایت «قَدِمَ حُذَيْفَةُ بْنُ الْيَمَانِ عَلَى عُثْمَانَ»

مشهورترین و پرتحریرترین روایت جمع عثمان روایتی است که ماجرای حذیفه بن یمان در رابطه با جمع قرآن و توحید مصاحف توسط عثمان را گزارش می‌کند؛ روایت منقول از انس بن مالک است که با ۱۲ طریق و ۹ تحریر در منابع روایی ظاهر شده‌اند. متن مشهور این روایت بدین صورت است: «أَنَّ حُذَيْفَةَ قَدِمَ عَلَى عُثْمَانَ، وَكَانَ يَغَازِي أَهْلَ الشَّامِ مَعَ أَهْلِ الْعِرَاقِ فِي فَتْحِ أَرْمِينِيَّةٍ وَأَذْرَبِيحَانَ، فَأَفْزَعَ حُذَيْفَةَ اخْتِلَافُهُمْ فِي الْقُرْآنِ، فَقَالَ لِعُثْمَانَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْرَكَ هَذِهِ الْأُمَّةَ قَبْلَ أَنْ يَخْتَلِفُوا فِي الْكِتَابِ كَمَا اخْتَلَفَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى؟»، فَأَرْسَلَ عُثْمَانُ إِلَى حَفْصَةَ: أَنْ أَرْسِلِي إِلَيْنَا بِالصُّحُفِ نَنْسَخُهَا فِي الْمَصَاحِفِ، ثُمَّ تَرُدُّهَا إِلَيْكَ. فَأَرْسَلَتْ بِهَا إِلَيْهِ، فَأَمَرَ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ، وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ الزُّبَيْرِ، وَسَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ، وَعَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامٍ أَنْ يَنْسَخُوا الصُّحُفَ فِي الْمَصَاحِفِ. فَإِنْ اخْتَلَفُوا - هُوَ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ - فِي شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ فَارْتَبِعُوا بِلِسَانِ قُرَيْشٍ، فَإِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِلِسَانِهِمْ. فَفَعَلُوا ذَلِكَ، حَتَّى إِذَا نَسَخُوا الصُّحُفَ فِي الْمَصَاحِفِ رَدَّ عُثْمَانُ الصُّحُفَ إِلَى حَفْصَةَ، وَأَرْسَلَ إِلَيَّ كُلِّ أَقْبَى مُصْحَفًا مِمَّا نَسَخُوا» (نسائی، ۱۴۲۱ق، ۷: ۲۴۶).

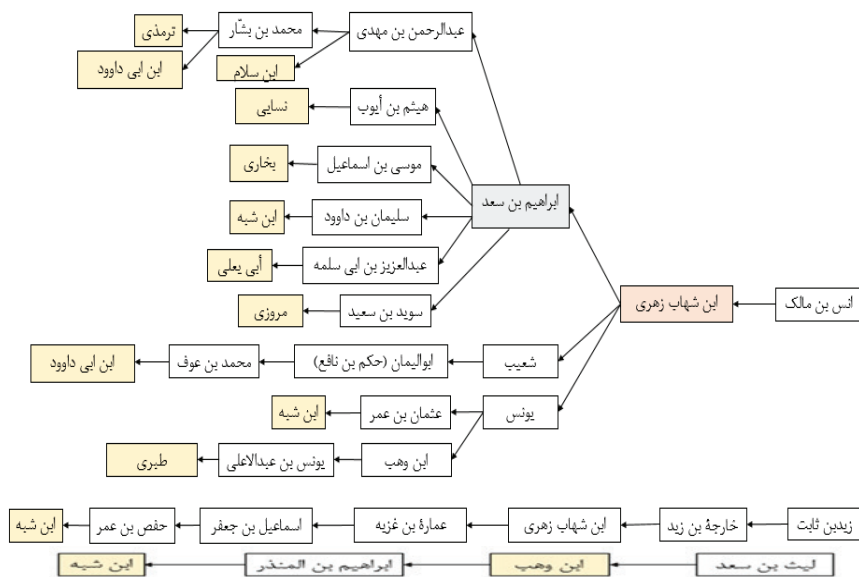
۹-۱. تاریخ‌گذاری سندی روایت

این روایت از ۲ صحابه (انس بن مالک و زید بن ثابت) و ۱ تابعی (لیث بن سعد) نقل شده است. نشر دهنده اصلی این روایت از طریق انس بن مالک، مانند دو روایت «مَقْتُلُ أَهْلِ الْيَمَامَةِ» و «فَقَدْتُ آيَةَ مِنْ سُورَةِ الْأَحْزَابِ» ابن شهاب زهری است که این روایت را برای ۳ شاگرد خود به نام‌های ابراهیم بن سعد، شعیب، یونس بن یزید. نقل کرده است. به عبارتی دیگر، ابن شهاب زهری حلقه‌ی مشترک اصلی، و ابراهیم بن سعد و شعیب و یونس، حلقه‌های مشترک فرعی روایت انس بن مالک هستند.

همچنین تنها ناقل زید بن ثابت نیز پسرش خارجه است که او نیز این روایت را فقط برای ابن شهاب زهری نقل کرده است و طریقی منفرد را شکل داده است. نقل عمار بن غزیه از ابن شهاب زهری نیز دارای اشکالاتی است، از جمله این که در اسامی مشایخ عماره نام ابن شهاب زهری دیده نمی‌شود و تنها نام‌های ابی صالح السَّمان، الشَّعْبِي، الرَّبِيعِ بْنِ سَبْرَةَ، عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ، مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّيْمِيَّانِ به چشم می‌خورد. ابن حجر نیز، درباره‌ی او از «لَا بَأْسَ بِهِ» استفاده کرده و به نقل از عقیلی او را از ضعفاء می‌خواند (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۳: ۲۱۳). این روایت با طریق مذکور، فقط در تاریخ المدینه از ابن شهاب (۲۶۲م) ظاهر شده است و در دیگر منابع روایی موجود نیست.

طریق لیث بن سعد نیز علاوه بر منفرد بودن، سندی ناقص یا به عبارتی منقطع دارد؛ زیرا لیث بن سعد متوفی سال ۱۷۵ هجری و نقل او در رابطه با ماجرای حذیفه بن الیمان نامحتمل است. ابوسعید بن یونس نیز روایات لیث بن سعد را از صحت لازم برخوردار نمی داند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۱۳: ۴). نقل این روایت با این طریق برای نخستین بار در جامع ابن وهب و پس از آن با همان طریق به نقل ابراهیم بن منذر از ابن وهب، تنها در تاریخ المدینه از ابن شیه ذکر شده است و دیگر منابع روایی از جمله صحاح سته، این روایت را با طریق انس بن مالک ذکر کرده اند.

باتوجه به آنچه گفته شد، در بین راویان این روایت (انس بن مالک، زید بن ثابت و لیث بن سعد)، دو طریق زید بن ثابت و لیث بن سعد منفرد و از اعتبار لازم برخوردار نیستند. یکی از قواعد ساخت در تعیین حلقه مشترک واقعی بدین صورت است که اگر حلقه مشترک در طبقه تابعین شکل گرفته باشد، طبقه پس از آن متهم به جعل سند و نسبت دادن به حلقه مشترک اند (موتسکی، ۱۳۹۴ش). در این مورد نیز، به عنوان فرض می توان گفت ابن شهاب زهری حلقه مشترک اصلی این روایت نیست و نشر دهنده اصلی این روایت شخصی مانند ابراهیم بن سعد است و وی با جعل سندی این روایت را به ابن شهاب زهری و انس بن مالک منتسب ساخته است. شعیب و یونس نیز برای علو سند و داشتن طریقی کوتاه تر علی رغم سماعشان از ابراهیم بن سعد، این روایت را به ابن شهاب و انس متصل ساخته اند. اما تنها این یک فرضیه است. در ادامه به بررسی طریق ابراهیم و یونس در این نمودار پرداخته شده است.



۹-۱-۱. طریق یونس بن یزید

ظاهراً یونس بن یزید این روایت را برای ۲ تن از شاگردان خود به نام‌های عثمان بن عمر و ابن وهب نقل کرده است. در حالی که این طریق از روایت، در جامع ابن وهب یافت نمی‌شود یا حداقل در حال حاضر به دست ما نرسیده است. عبدالله بن وهب در جامع خود این روایت را تنها به نقل از لیث بن سعد که سندی ناقص است نقل می‌کند و نه یونس بن یزید. ظهور این روایت با طریق ابن وهب از یونس نیز تنها در تفسیر طبری و ظهور روایت با طریق عثمان بن عمر از یونس بن یزید، تنها در تاریخ المدینه از ابن شبة صورت گرفته است و منابع روایی متقدم‌تر و ناقل این روایت، از جمله جامع ابن وهب، فضائل القرآن ابن سلام، صحیح بخاری، سنن نسایی، مسند مروزی و مسند ابی یعلی، هیچ‌یک این طریق را ذکر نکرده‌اند.

۹-۱-۲. طریق ابراهیم بن سعد

در این روایت بیشترین طرق موجود (۶ طریق) مربوط به ابراهیم بن سعد است. به عبارتی دیگر اصلی‌ترین نشردهنده، ابراهیم بن سعد است که این روایت را برای ۶ تن از شاگردان خود نقل کرده است. با توجه به طرق دیگر و آنچه در قسمت‌های پیشین گفته شد، نقل وی از ابن شهاب نامحتمل است. بنابراین، این روایت نیز منسوب به نیمه دوم قرن دوم و در بغداد تاریخ‌گذاری می‌شود.

۱۰. نتیجه‌گیری

در ارتباط با مسئله جمع قرآن با دو دسته روایات مواجه هستیم: روایات جمع در زمان پیامبر (ص) و روایات جمع در زمان خلفا.

۱- در تاریخ‌گذاری سندی روایات جمع قرآن در زمان خلفا، شاهد شکل‌گیری حلقه‌های مشترک در طبقه تابعین یا تابع تابعین بوده چنان‌که پس از بررسی روایاتی در این قسمت (روایات مقتل اهل الیمامه، فقدت آیه من سورة الأحزاب، قدم حذیفه بن یمان علی عثمان) در رابطه با نقل افرادی مانند ابراهیم بن سعد، یونس بن یزید، شعیب و معمر بن راشد از ابن شهاب زهري، مستندات هم در تأیید ایشان و هم در رد سماع ایشان از زهري در منابع رجالی موجود است، لیکن نشر نظام مند و وجود تحریرهای این روایات و انتساب تمامی حلقه‌های مشترک به نیمه دوم قرن دوم قطعی است. همچنین مطلبی که اهمیت دارد شکل‌گیری حلقه مشترک اصلی سایر روایات جمع قرآن در زمان

خلفا در همان بازه زمانی افراد مؤثر در نشر، مانند ابراهیم بن سعد (م ۱۸۳) است که تاریخ وفات این حلقه‌های مشترک، همگی در همان حدود نیمه دوم قرن دوم است و همچنین با در نظر گرفتن و بررسی تحریرهای منسوب به این طرق، احتمال ساخت این گونه روایات را در همان بازه زمانی تقویت کرده است.

۲- در مقابل، تاریخ گذاری تحریرهای موجود از روایت «جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ» بر اساس اسناد و یافتن حلقه‌های مشترک اصلی و فرعی، بیانگر نشر این روایت در همان طبقه اول به نقل از انس بن مالک (م ۹۳) به عنوان صحابی پیامبر (ص) است. انس بن مالک در همان زمان حیات خویش این روایت را برای ۴ نفر از شاگردان خود نقل کرده که ۲ تن از این افراد نیز هریک برای ۳ نفر نقل کرده‌اند و گسترش شبکه اسناد روایت در همان طبقات ابتدایی به وضوح شکل می‌گیرد. همچنین با در نظر گرفتن نقل هر کدام از تابعین مانند محمد بن کعب القرظی (م ۱۰۸)، عامر شعبی (م ۱۰۴) و قتاده (م ۱۱۷) که هریک نیز به صورت متمایز حلقه‌های مشترک این روایت هستند، وجود این روایت حداقل در همان اواخر قرن اول قطعی است و میزان صحت ماجرای مذکور در این روایت نیز به زمان ادعایی نزدیک تر است. بنابراین تحریرهای موجود از این روایت نسبت به روایات جمع قرآن در زمان خلفا به لحاظ تاریخی از قدمت و اعتبار بیشتری برخوردارند.

روایت	افراد مؤثر در نشر	انتساب زمانی افراد مؤثر در نشر
«مَقْتُلُ أَهْلِ الْيَمَامَةِ»	ابراهیم بن سعد (م ۱۸۳)، یونس بن یزید (م ۱۵۹)	نیمه دوم قرن دوم
«فَقَدْتُ آيَةَ مِنْ سُورَةِ الْأَحْزَابِ»		
«قَدِمَ حَدِيفَةُ بْنُ الْيَمَانِ عَلَى عُثْمَانَ»		
«أَنَّهُمْ جَمَعُوا الْقُرْآنَ فِي مَصَاحِفَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ»	أبو جعفر الرازی (م ۱۶۰)	اواسط قرن دوم
روایت منسوب به علی (ع)، عبد خیر و صعصعه بن صوحان	سفیان بن عیینہ (م ۱۹۸)	نیمه دوم قرن دوم
«جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ»	انس بن مالک (م ۹۳)، محمد بن کعب القرظی (م ۱۰۸)، عامر شعبی (م ۱۰۴) و قتاده (م ۱۱۷)	اواخر قرن اول

دسترسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منفعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد، موسسه الكتب الثقافية، ۱۳۹۳ق.
- ابن سعد، أبو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۰ق.
- ابن عجمی، برهان الدین حلبی، الكشف الحثیث عن رمی بوضع الحديث، بیروت، عالم الكتب مكتبة النهضة العربية، ۱۹۸۷م.
- ابن عدی، عبدالله، الكامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۸ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابوسعید، صلاح الدین، المختلطين، قاهره، مكتبة الخانجي، ۱۴۱۷ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- بلاذری، أحمد بن يحيى، فتوح البلدان، قاهره، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۵۶م.
- ترابی، سمانه، امير احمد نژاد، وسيد مهدي لطفی. "تاریخ‌گذاری روایت «مقتل اهل البیما»؛ در مسأله جمع قرآن کریم". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۱۹ (۱۴۰۲ش): ۱۱۱-۱۳۵. doi: 10.30479/mfh.2023.18769.2258
- خطیب بغدادی، ابوبکر، تاریخ بغداد، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دارالزهراء، ۱۳۷۵ش.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والاعلام، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۳م.
- ذهبی، شمس الدین، ذکر أسماء من تكلم فيه وهو موثق، الزرقاء، مكتبة المنار، ۱۴۰۶ق.
- ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
- ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.
- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۸.
- زركشي، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
- زنجان، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- سیوطی، جلال الدین، اسماء المدلسین، بیروت، دارالجليل، بی‌تا.
- شراب، محمد محمدحسن، الإمام الزهري عالم الحجاز و الشام، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۳م.
- صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۲ش.
- صحاری، أبو المنذر سلمه بن مسلم، انساب، عمان، وزارة التراث القومي والثقافة، ۱۴۲۷ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۴ق.
- طباطبایی، سید کاظم، و محسن رجبی قدسی. "بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف". مطالعات فهم حدیث ۱، ۱۹ (۱۳۹۳ش): ۶۵-۹۳. doi: 10.30479/mfh.2015.1105
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تاول القرآن، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.

عجاج خطیب، محمد، اصول الحديث علومه و مصطلحه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
 عسقلانی، ابن حجر، تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، اردن، مکتبه المنار، بی تا.
 عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامية، ۱۳۲۶ق.
 عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرسین، ایران، شرکه التوحید، ۱۴۱۷ق.
 علایی، أبوسعیدبن خلیل، جامع التحصیل فی احکام المراسیل، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۰۷ق.
 مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
 مقریزی، احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفده والمتاع، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
 موتسکی، هارالد، تاریخ گذاری حدیث؛ روش ها و نمونه ها، نافع مولای ابن عمر و جایگاه او در آثار حدیثی مسلمانان، به کوشش علی آقایی، تهران، حکمت، ۱۳۹۴ش.
 ناصحیان، علی اصغر، نگاهی نوبه جمع قرآن، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه های قرآنی)، ۸، ۳۰ (۱۳۸۷ش): ۲۹-۵۶.
 نسایی، أبوعبدالرحمن، سنن الکبری، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
 نوری، سید ابوالمعاطی؛ عید، احمد عبدالرزاق؛ خلیل، محمود محمد، موسوعة الأقوال الإمام احمد بن حنبل فی رجال الحديث و علله، قم، دارالنشر، ۱۴۱۷ق.